خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۶ . اول صفر ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۶۶۳

چاووشی به دلیل مشکلات مالی با «هاتف» همکاری نکرد

نعمت چگینی، تهیه کننده سریال «هاتف» درباره علت همکاری نکردن محسن چاووشی با سریال «هاتف» توضیح داد: محسن چاووشی قرار بود تیتراژ مجموعه «هاتف» را بخواند، اما به دلیل مشکلات و برآوردهای مالی در این پروژه همکاری نکرد. تهیه کننده سریال «هاتف» درباره کار جدیدش گفت: فیلم نامه سریال «شب مهتاب» برای گروه کودک و نوجوان مرکز سیما فیلم در حال تکمیل شدن است. از هفته آینده پیش تولید این مجموعه شروع می شود.

ناگهانِ شعر

مجتبی فدایی

■ ۱
من خسته ام از این همه دعوا تو بیشتر
من هم کمی مقصرم اما تو بیشتر
یادم نرفته از سر خدمت که آمدم
یک کوچه بود غرق تماشا تو بیشتر
مردم چه پرت سن مرا حدس می زنند
من را شکسته غصه دنیا تو بیشتر
ما هر دو خائنیم به عیسای عصرمان
من کمتر از جناب یهودا تو بیشتر
یک مشت خرده شیشه غمگین لعنتی
جا مانده در تن من تنها تو بیشتر
حالا خودت نظر بده در گیرودار عشق
من بیشتر شکنجه شدم یا تو بیشتر؟

■ ۲
یکی نبود و یکی بود و من مقابل اویم
شروع قصه بغض پلنگ های گلویم
دوباره او تو نبودی که با فرار پلنگی
مسیر آمدنت را به دست اشک بشویم
پس از تو من خفه ام در دهان مردم این شهر
و مثل پچ پچ مشکوک را های مگویم
صلاح کار همین جامن خراب همین جا
ببخش حضرت حافظ که باز مست سبویم
که اوست وحشت بدمستی تمام غزل ها
فرشته ای که تفنگی نشانه رفته به سویم
تو عاقلی و مبادا که در مزارع قلبت
جوانه ای زده باشم که عاشقانه برویم
بیا و تخت مرا با تنت به ماه بچسبان
که من کلافه ام از این پلنگ های پتویم

■ ۳
بشکنش خرد کن تمامم را
متفرق کن از دحامم را
روز "قالوا بلی" بلا گفتم
تا تو باور کنی مرامم را
همه تو مجتبی فدایی تو
این هم از این! بگیر نامم را
انتظاری ندارم از دل تو
که نگه دارد احترامم را
کشورم را جهان هیچم کن
داده ام دست توز مامم را
باز هم سر بکش به لیوانم
تلخ کردی اگر چه کامم را
حرفمان هم اگر شد از سر لج
پاره کن شعر ناتمامم را
امشب از بس به فکر تو بودم
گرم کردم سه بار شامم را
در هیاهوی وصف تو مردم
نشنیدند والسلامم را

معرفی کتاب

بعد از این که شهید شدم

«بعد از این که شهید شدم» کتاب خاطرات خودنوشتِ رزمنده خراسانیِ دفاع مقدس، سیداحمد جعفرنیاست که به همت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس خراسان رضوی در نشر صریر منتشر شده است. داستان با توصیفی از زادگاه نویسنده یعنی روستای فریزی آغاز می شود:
«خانه های ده بر پشت تپه ای بنا شده بود، به شکل تقریبا پلکانی و چشم نواز. در ها و پنجره خانه ها بیشتر رو به آفتاب باز می شد. با طلوع خورشید، روستا در میان پرتوهای زرد و طلایی خورشید مانند خوشه گندم می درخشید.
جاده روستایی و کوهستانی آن، پس از جدا شدن از جاده آسیایی، مانند خط کرم رنگ و خاکی به ده می رسید، و در اول ده به دو راه تقسیم می شد. یک راه به میان روستا و ایستگاه ماشین ختم می شد و راه دیگر، به پشت ده و به کنار قبرستان قدیمی و مسجد جامع می رفت که مرقد امامزاده عبیدا..._ درود خدا بر او باد_ درون آن قرار داشت، از آن جا مسافتی ماشین رو سپس مالرو بود و تا بینالود ادامه داشت.
فریزی مشهور نبود، ولی مسافرانی که برای هواخوری یا کوهنوردانی که برای صعود به قله بینالود می آمدند، آن را می ستودند. در برگشت به شهر و دیار خود از آن به تفصیل سخن می راندند. چنان که هر ساله، تعداد گردشگران، کوهنوردان و زیارت کنندگان امامزاده به نحو چشمگیری افزایش می یافت.»
در بخش های دیگری از کتاب می خوانیم:
«... آخه چه! تماشا کن! ببین تورو خدا کیا را فرستادند! کیا می خوان بجنگن!... گوش کن پسر جان! فکر کردی این جا کجاست؟ شما ها خیال کردید آمدید مهمانی...»
«... ناگهان محشر صغرایی به پا شد. گویی دشمن متوجه جابه جایی ما شده بود که دست به یک گلوله باران بزرگ زد. سروصداها عظیم تر و بلندتر می شد. ناگهان، فرمانده نعره ای کشید: «سنگر بگیرید! سنگر بگیرید!... یالا...!»
«... چند دقیقه بعد، کنار قنات حی و حاضر بودیم. اول صبحی چند مرد و زن، لب قنات مشغول شست وشوی ظرف یا آب کردن کوزه ای بودند. ... با خودم اندیشیدم: «شاید یکی از همین ها منافق یا جاسوس باشد. کسی چه می داند. اما این جماعت روستایی و ساده...»
«فرمانده با ذوق بسیار محل انفجار را می نگریست. جلو چشمش سرباز رزمنده ای تیر خورد. سرباز لحظاتی با بهت و ناباوری به نقطه ای خیره شد. سپس سر بر گرداند به سمت ما و نگاه عاجزانه اش را به پایگاه دوخت».

گزارش نشست «ویرایش ادبیات داستانی تالیفی»

جایگاه ضعیف ویرایش محتوا در ادبیات داستانی

سی امین جلسه از سلسله هم اندیشی های ویرایش با موضوع «ویرایش ادبیات داستانی تالیفی» در انتشارات فنی ایران برگزار شد و در آن، محمدرضا جعفری، حسین سناپور و محمد حسینی به بررسی تاریخی جایگاه ویرایش داستانی و ویراستاری در ایران پرداختند و به تفصیل درباره جایگاه ویرایش محتوایی در ادبیات داستانی سخن گفتند.
به گزارش خبرگزاری مهر، در ابتدای این نشست، مژده دقیقی به عنوان مدیر جلسه گفت: تنها با شکل گرفتن رابطه ای سازنده میان نویسنده و ویراستار است که خلاقیت نویسنده شکوفا می شود.

■ **ویرایش داستان یک امر مکانیکی نیست**
در ادامه محمدرضا جعفری مولف «فرهنگ فشرده» درباره تجربه کاری خود در این حوزه و تعاملات خود در ویرایش داستان های نویسندگانی مانند نادر ابراهیمی، اسماعیل فصیح، احمد محمود، رضا براهنی و... گفت: در آن سال ها برای من مهم بود که ابتدا به کشف ساختار اثر دست بزنم؛ لذا در نثر نویسنده دست نمی بردم، تکیه کلام های او را کشف می کردم و ضرورت داشت در تکنیک و طنز نویسنده دخالتی نداشته باشم. ویرایش داستان یک امر مکانیکی نبوده و نیست که محور آن را به کار بردن درست نویسی در فارسی تفسیر کنیم.
وی درباره نقش خود در ویرایش کتاب هایی همچون «ثریا در اغما»، «آواز کشته شدگان» و... نیز سخن گفت. جعفری که در انتشار کتاب های طلایی انتشارات امیرکبیر نقش مهمی داشته است، در ادامه صحبت هایش جایگاه ویرایش در کشور را مناسب ندانست و افزود: امروزه نواقصی را در کتاب ها می بینم. یکی آن که گفت وگوها کشدار است، در حالی که ایجاز حرف نخست را در دنیای امروز می زند، بنابراین توصیف زاید دیگر جایگاهی ندارد. دوم آن که اشتباهاتی ناشی از جهل در کتاب ها دیده می شود، مانند سمفونی باخ. نه نویسنده و نه ویراستار نمی دانسته اند باخ سمفونی ندارد. اشتباهات لپی و غلط های املایی و انشایی، معضلات دیگری است که باید توجه ویژه ای به آن کرد.

■ **نویسنده باید عیب داستان خود را بشنود و بداند**
حسین سناپور هم در این نشست با بررسی تاثیر کارگاه های ادبی در امر ویرایش، به بیان شیوه های برگزاری کلاس های خود برای نسل جدید نویسندگان پرداخت و درباره دلایل کم رنگ بودن جایگاه ویرایش در ایران، گفت: نکاتی که آقای جعفری به آن اشاره کردند جای تامل دارد. هر نویسنده ای، به بازخوانی نیاز دارد. او باید عیب داستان خود را بشنود و بداند. آن چه گفته شد، تاکیدی بود بر نقش مهم ویراستار. با این حال در ایران ما با دو چالش روبه رو هستیم؛ نخست این که بسیاری از ناشران ما حرفه ای نیستند تا جایگاه ویراستار را بدانند و برای حرفه ای شدن قطعا نیاز مند شمارگان بالا، بهتر شدن وضعیت کتاب خوانی و... هستند. اما چالش دوم افراد حقیقی اند.
سناپور گفت: بسیاری از مخالفان ویرایش، نویسنده را بر متن برتری می دهند. به همین دلیل بیان می کنند که اگر کسی در ساخت داستان دخالت کند، اثر دچار ناخالصی خواهد شد و این ردپای ویراستار یا استاد سبب می شود که منتقد نتواند ردپای اندیشه های نویسنده را دنبال کند. لذا تفکر غالب رجحان نویسنده به متن است. در حالی که اگر اندیشه ای خلق و توسعه بیاید، از متن است. به همین دلیل گاهی می بینیم نویسنده ترجیح می دهد اثر ناقص باشد اما برای خود او باشد.
وی در پایان سخنانش درباره نقش کارگاه ها و کلاس های ادبی در حوزه ویرایش سخن گفت و آن را عامل موثری دانست، چرا که اثر در حین نوشته شدن ویرایش می شود و از عقل جمعی بهره می برد.

■ **جایگاه ادبیات در ایران کنونی خوب نیست**
سی امین جلسه از سلسله هم اندیشی های ویرایش با سخنان محمدحسینی ادامه یافت. وی جایگاه ادبیات در ایران کنونی را نامناسب دانست و عوامل آن را فعالیت ناشران متعدد و اهدای جوایز خصوصی و دولتی خواند.
سرویراستار نشر ثالث ضروری دانست تا تعریف درستی از ویراستار را به مخاطبان ارائه کند و گفت: قاعدتا یک کتاب توسط نویسنده نوشته می شود، نقش ویراستار ارتقای کیفی یک اثر است. ویراستار ۲۰ تا ۲۵ درصد در بهبود کیفی یک کتاب نقش دارد پس آن را دگرگون نمی کند. با این حال نباید فراموش کنیم که این نقشی است که ویراستاران در غرب دارند، آن ها مشاور ند و بعید می دانم وقت خود را صرف غلط گیری کنند.
این نویسنده به بررسی جایگاه ادبیات در ایران پرداخت و به بحران های دهه شصت و هفتاد در انتخاب و انتشار اثر اشاره کرد، اما در ادامه تاثیر آن را بر تولید اثر ادبی فاخر کتمان نکرد و گفت: در گذشته یک موسسه انتشاراتی هیئت تحریریه ای داشت که یا اثری را می پذیرفت یا رد می کرد. حالت سوم رای مشروط بود. به واسطه این رای یک نویسنده با شنیدن آرای کارشناسان طی شش ماه تا یک سال اثر را بازنویسی می کرد. با گذشت این سال ها اوضاع نشر بهبود پیدا کرد و فضا برای حضور نویسندگان فراهم شد.
حسینی ادامه داد: طبق آمار سال قبل، ما بیش از ۱۳ هزار ناشر و کمتر از دو هزار کتاب فروشی داریم. همین آمار نشان می دهد که جریان نشر ما حرفه ای نیست. در این میان ما چند جایزه محدود و حرفه ای داشتیم که به جوایز متعدد با کارشناسی های نامعتبر تبدیل شده اند.

داور جایزه شعر قیصر امین پور مطرح کرد:

نسلی که ادبیات را به شوخی گرفته است

بهزاد زرین پور، شاعر و داور مرحله نهایی جایزه شعر قیصر امین پور از آثار راه یافته به مرحله نهایی رضایت ندارد و معتقد است که برخی از شاعران این نسل با تأویل سطحی از هنر و ادبیات گروتسک، همه چیز را به شوخی و مسخره گرفته اند و همه را دست می اندازند. زبان، محتوا، ادبیات، فرهنگ، انسان و حتی خود شعر و نوشتن موضوع شوخی آن ها شده است.
وی در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران افزود: من به همراه چهار عزیز، داوران مرحله نهایی جایزه قیصر هستیم. متاسفانه با بررسی آثار رسیده به مرحله نهایی جشنواره قیصر امین پور متوجه شدم که بیشتر آثار ارسالی در حوزه شعر نو کیفیت قابل قبولی ندارد و دوستان جوان، خیلی ساده و سطحی به شعر نگاه کرده اند. البته در حوزه شعر کلاسیک وضعیت آثار نسبتاً بهتر است و اگر نوآوری چندانی به چشم نمی خورد، دست کم آثار قوام و استخوان بندی سالمی دارد. دوستان جوان تصور می کنند که ساده نویسی یا پیچیده نویسی بازبان غیر ورزیده میسر است و همین ما را در عمل با آثاری فاقد زبان متشخص و محکم مواجه می کند. من مخالف جریان ساده نویسی نیستم. منظورم از این حرف این نیست که شاعران دچار ساده نویسی شده اند؛ چرا که غالباً ساده انگاری رخ داده است. بسیاری از مدعیان پیچیده نویسی هم دچار ساده انگاری اند.
زرین پور درباره تاثیر گذاری فضای مجازی در وضعیت امروز شعر معتقد است: من فضای مجازی را دنبال می کنم. متاسفانه وجود مخاطب غیر حرفه ای در این فضا باعث شده است تا ما به سمت آسان نویسی حرکت کنیم. جریانی که در هر دو طیف موسوم به ساده یا پیچیده نویسی به ظرافت های زبان توجهی ندارد، شتاب زده است و مانند ساختمان سازان بساز بفروش رفتار می کند که مخاطب آگاه از ظاهر و اجزای به کار رفته در ساختمان شعر متوجه بساز بفروش بودن آن می شود.
دلایل زیادی دارد اما واقعا من و امثال من دیگر به این وضعیت بی تفاوت شده ایم؛ چرا که کاری از دستمان برنمی آید به جز همین گفتن ها! متاسفانه برخی از شاعران این نسل با تأویل سطحی از هنر و ادبیات گروتسک، همه چیز را به شوخی و مسخره گرفته اند و همه را دست می اندازند. زبان، محتوا، ادبیات، فرهنگ، انسان و حتی خود شعر و نوشتن موضوع شوخی آن ها شده است و در چنین شرایطی دل من برای درختانی که قطع می شود تا تبدیل به کاغذ شود و این افراد روی آن شعر خود را منتشر کنند، می سوزد. به اعتقاد من فضای امروز ادبیات به تنها کسی که سود می رساند، کاغذفروشان و ناشران غیرفرهنگی است که به دنبال سود و منفعت خود هستند.
وی راهکار را در این دانست که هر کجا شاعر قدری یافتیم با صدای بلند معرفی اش کنیم و این اخلاق والا را رواج دهیم که ادبیات و شعر جای بده و بستان و کاسبی نیست؛ چرا که به اندازه کافی در بقیه ساحت های زندگی اجتماعی ما کاسبان مسلط شده اند. کمتر شاعر و منتقدی در این نسل هست که بی چشمداشت به نقد و تعریف از شاعر دیگر بپردازد و بیشتر یکدیگر را نفی می کنند بی چشمداشت! وی افزود: به اعتقاد من جایی که نفی وجود دارد رشد نیست؛ زیرا دیالوگ باعث رشد می شود. ما شاعران نسل دیالوگ بودیم ما با خود و نسل قبل مان صحبت می کردیم و کسی را نفی نمی کردیم.

یادداشت

چرایی عقب ماندگی ادبیات داستانی ایران

فرزانه ابراهیمی - بی گمان زبان و ادبیات پارسی آن قدر غنی است که می تواند در قالب های مختلف آثار ماندگاری را از خود به جای بگذارد. دیوان شاعران بزرگ و نامی ما چون فردوسی، سعدی، مولانا، حافظ و... همچنین شاعران معاصر شاملو، سپهری و... گواه این مدعاست، اما ادبیات تنها در شعر خلاصه نمی شود و باید پرسید، ادبیات داستانی در ایران چه جایگاهی دارد؟ چرا با وجود این همه نویسنده در کشور، طی سال ها نتوانسته ایم جهانی شویم. در حالی که کشور همسایه مان ترکیه با «اوراهان پاموک» نوبل ادبیات می گیرد و در کشورهای شرقی هر روز نویسندگان بزرگی با آثار جهانی سر برمی آورند که این کتاب ها حتی در ایران نیز به چاپ چندم می رسد. یکی از نویسندگان بنام کشورمان در این باره گفته بود که ایرانی ها خوب می نویسند و آثارشان قابلیت مطرح شدن در جهان و دریافت جوایز بین المللی را دارد اما ترجمه بد و ضعیف فرصت را از آن ها دریغ می کند اما آیا این تنها مشکل است؟ آیا زبان پیچیده ژاپنی و چینی مشمول این قاعده نیست؟! پس مشکل را باید در جایی دیگر جست و جو کرد. ادبیات داستانی با ورود زود و بدهنگام خود به ایران سیر تحول کاملی را طی نکرده است و پس از گذشت قرن ها از شروع داستان نویسی، از جمله رمان و داستان کوتاه، هنوز آموزش حرفه ای به طور جدی در کشورمان آغاز نشده است و کلاس ها و گاه کارگاه های نقد داستان بیشتر از انجمن هایی خودگردان و خودجوش، تشکیل می شود که نویسندگان را برای رسیدن به اهدافی مشترک گرد هم جمع می کند اما تداوم نداشتن این انجمن ها، گاهی انگیزه ها را از بین می برد همچنین با این که ادبیات داستانی سال هاست که در دانشگاه های آمریکا و اروپا به صورت رشته تحصیلی جدا و مستقل از رشته ادبیات تدریس می شود، اما در کشورمان جای این رشته تحصیلی هنوز خالی است و ما نتوانسته ایم دانش آموختگانی در ادبیات داستانی داشته باشیم. از طرفی وضعیت بازار نشر، شمارگان کم کتاب ها به دلیل استقبال نکردن مخاطبان و مشکلاتی از این حیث، دیگر برای نویسندگان میل و رمقی باقی نمی گذارد. آثار قابل تامل دیگری نیز از نویسندگان شرقی در ایران ترجمه شده است که از میان آن می توان به نویسندگان موفقی چون «نجیب محفوظ» از مصر، «هشام مطر» از لیبی، «موراکامی» از ژاپن، «جومپالاهیری» از هند، «طیب صالح» از سودان و «خالد حسینی» از افغانستان اشاره کرد. نویسنده شدن شاید آسان باشد اما جهانی شدن مستلزم تلاش و جدیت در این عرصه است. خوشبختانه انجمن های ادبی مردمی در جهت هموار کردن این مسیر برای نویسندگان جوان تلاش های جدی را آغاز کرده اند. تربیت نسل جوان نویسنده ای که بتواند در چهار چوب استانداردهای جهانی گام بردارد، آرزوی دیرینه ای است و تنها زمانی به بار می نشیند که نگاه ها به ادبیات داستانی جدی تر شود.

پیک خبر

نقاشی «رنوار»ی برج «دونالد ترامپ» اصل نیست

موزه شیکاگو اعلام کرده نقاشی «رنوار»ی که در برج «دونالد ترامپ» نصب است، اصل نیست.
به گزارش ایسنا، «بی. بی. سی» نوشت: «تیم اوبراین» زندگی نامه نویس «دونالد ترامپ» - رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا - گفته است که او ادعا دارد نقاشی امپرسیونیستی اش اصل و از کارهای «پیر-آگوست رنوار» است. این در حالی است که موسسه هنری «شیکاگو» اعلام کرده تابلوی «دو خواهر» طی ۸۰ سال گذشته در گالری این موزه نگهداری شده است و مسلما نقاشی «ترامپ» اصل نیست. این تابلو در سال ۱۹۳۳ به موزه «شیکاگو» هدیه شده است. مالک این اثر آن را به قیمت ۱۰۰ هزار دلار از یک حراجی خریداری کرده بود. صاحب قبلی هم که دلالی هنری بود، آن را در سال ۱۸۸۱ مستقیما از «رنوار» - نقاش برجسته فرانسوی - خریده بود. نویسنده کتاب زندگی نامه «دونالد ترامپ» در مصاحبه ای که به تازگی با «ونیتی فر» داشته، گفته است که رئیس جمهور آمریکا ادعا دارد نقاشی «رنوار»ش اصل است. «اوبراین» تعریف کرده زمانی که در حال نگارش کتاب «هنر دونالد بودن» بودم، در سفری که با جت شخصی «ترامپ» داشتم، در تراس خانه چشمم به این تابلو خورد و از او سوال کردم. او در جواب من گفت: می دانی، این یکی از کارهای اصل «رنوار» است. «اوبراین» گفت که او روز بعد هم این ادعا را تکرار کرد و من به او گفتم: من در شیکاگو بزرگ شده ام، اسم این اثر رنوار «دو خواهر» است و روی دیوار موسسه هنری شیکاگو آویزان است. این تابلو اصل نیست.

برگزاری نمایشگاه «سه خواهر نوجوان افغانستانی»

مسئول هنری نگارخانه نات با انتقاد از شایعه پراکنی درباره نمایشگاه نقاشی «سه خواهر نوجوان افغانستانی» تأکید کرد: این نمایشگاه طبق اعلام قبلی افتتاح می شود و لغو شدن آن شایعه ای بیش نیست.
به گزارش خبرگزاری فارس، وعده داده شده بود که نمایشگاه نقاشی های سکینه، بلقیس و نرگس محمدی، سه خواهر نوجوان افغانستانی، روز گذشته در نگارخانه نات افتتاح می شود.
سه روز پیش نیز توئیتی منتشر و مدعی شد این نمایشگاه لغو شده است و دلیل آن بررسی مدارک اقامت و آثار این سه نوجوان توسط دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی و وزارت ارشاد است.
کاربر دیگری ضمن بازنشر این توئیت، توئیت سیدعباس صالحی را نیز منتشر کرد که در آن وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از پیگیری این موضوع خبر داده و بابت اطلاع رسانی مشکل تشکر کرده بود.
این در حالی است که خواهران محمدی، پیش از این هم دو بار دیگر نمایشگاه برگزار کرده اند که نمایشگاه اول در فرهنگ سرای ملل و نمایشگاه دوم بهار سال ۹۵ در فرهنگ سرای اندیشه بوده است..

رونمایی معماران زاها حدید از یک سازه غافلگیرکننده

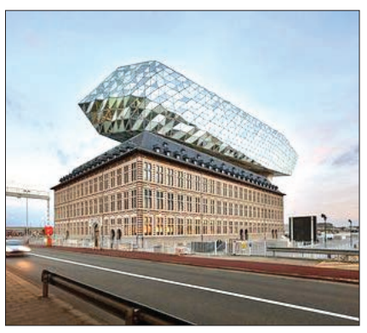

معماران «زاها حدید» پروژه طراحی بندر تاریخی آنتورپ را افتتاح کردند. به گزارش هنرآنلاین، گروه معماران «زاها حدید» به تازگی پروژه الحاقی به یک ساختمان تاریخی در بندر آنتورپ بلژیک را رونمایی کرد. پیش از این، ایستگاه آتش نشانی این منطقه در این ساختمان فعالیت داشته اما از این پس تمام کارمندان این منطقه تجاری که پیشتر در مراکز متعدد بندر پراکنده بودند، در آن متمرکز خواهند شد.
به این بنای تاریخی، بخش الحاقی گسترده و عظیمی افزوده شده است. این الحاق سازه ای شناور گون در قسمت فوقانی بناست که در تصویر کلی اش به یک کشتی شباهت دارد و در پوسته شیشه ای اش، آسمان بندر را در خود بازتاب می دهد.
طراحی این پروژه به دنبال آتش سوزی در بنای اصلی و ضرورت بازسازی آن، انجام شد. معماران زاها حدید توانستند با ارائه ایده ای که بر حفظ و ترمیم تمام بنای اصلی متمرکز بود، این پروژه را در دست بگیرند. ایده اصلی گروه این بود سازه الحاقی در قالب سازه ای مستقل باشد بدون آن که بنای اصلی را تحت الشعاع قرار دهد؛ ایده ای که راه حل مناسبی برای حفاظت از این مکان ارزشمند تاریخی محسوب می شود.
جلوه بصری این سازه الحاقی با توجه به نام گذاری بندر آنتورپ به "شهر الماس"، به شکل شیشه ای تراش خورده طراحی شده است و از دید داخلی هم چشم اندازی پانورامیک از این شهر بندری را فراهم می کند.